

حمید رسایی: تهران متفاوت از شهرستان‌هاست و تابع یک‌سری مسائل دیگری هم هست. شهرستان‌ها خیلی تابع مسائل سیاسی نیستند. در تهران بخشی از مردم با چشم بسته رای دادند و کاری نداشتند که در این لیست چه کسانی هستند. فقط چون یک چیزی شنیده بودند همین‌طور به همه رای دادند.

رسایی؛



حمید رسایی، اصولگرایان را به ایجاد هویتی مستقل در مجلس بعدی دعوت می‌کند؛ هویتی جدا از طیف‌هایی نظیر هواداران علی لاریجانی. همان‌گونه که در ابتدای مجلس نهم هم منتقدان کنونی دولت کوشیدند تا صف خود را از این دسته از اصولگرایان جدا کنند و خود، راهی جدا در پیش بگیرند. آنها البته چندان هم منتظر توصیه‌هایی نظیر توصیه‌های حمید رسایی نمانده‌اند و از همین الان کار خود را برای گرفتن کرسی‌های حیاتی مجلس آینده با ایجاد کمیته‌ای هفت‌نفره آغاز کرده‌اند.

اما سخنان حمید رسایی، در مقام نماینده‌ای که از ادامه کار باز مانده است، از آن‌رو می‌تواند حائز اهمیت باشد که این طیف از اصولگرایان نشان داده‌اند که حداقل در عرصه ترسیم وضعیت سیاسی و تصویرسازی از موقعیت‌های مختلف، حرف‌هایی می‌زنند که عموماً انطباق زیادی با هم دارد. از همین روست که می‌توان سخنان رسایی را به نیروهای باقی مانده این جریان در مجلس دهم هم بسط داد و حرف آنها دانست؛ نیروهایی که این روزها را در سودای بازسازی سیاسی خویش در بهارستان سپری می‌کنند.

رسایی معتقد است که طیف اصولگرایان منتقد دولت امکان انتخابی بین لاریجانی و عارف برای ریاست مجلس ندارند. چرا که از نظر او هر دوی این چهره‌ها دارای کار ویژه‌ای تقریباً مشابه برای رقابت دولتی و اصلاح‌طلب این طیف هستند. از همین روست که او می‌گوید آنها در هر شرایطی باید نامزد خود را برای ریاست مجلس داشته باشند. در مقابل هم بعید به نظر می‌رسد که اصولگرایان منتقد دولت برای روزهای بعد از هفتم اسفند، برنامه دیگری جز این در دستور کار خویش قرار دهند. آنها هم کم و بیش مانند حمید رسایی، رئیس فعلی مجلس را چهره‌ای می‌دانند که تنها نامی از اصولگرایی برای او باقی مانده است. نشانه‌های این برداشت عمومی در سطح اصولگرایان منتقد دولت را هم به راحتی در کوران رقابت‌های انتخاباتی می‌شد رصد کرد؛ از لیستی که برای قم بدون حضور علی لاریجانی بسته شد تا اعلام حمایت چهره‌های اصولگرایی مجلس نهم از سه نامزد حوزه انتخابیه قم که نامی از علی لاریجانی در آن وجود نداشت.

هر چند شاید داوری حمید رسایی و همفکران او درباره موقعیت لاریجانی و عارف و همین‌طور کاری که اصولگرایان باید در مجلس دهم انجام دهند قدری قابل پیش‌بینی و حتی تکراری شده باشد اما در مقابل حرف‌های او درباره نتیجه انتخابات تهران بسیار بیش از اینها شنیدنی است؛ نتیجه‌ای که هنوز اصولگرایان نتوانسته‌اند در بیان رسمی خود روایتی برای تحلیل آن پیدا کنند. این سردرگمی برای تعبیر معنای رای تهران در سخنان رسایی هم مشهود است. او از یک سو می‌گوید مردم تهران با چشم بسته رای داده‌اند و از سوی دیگر با اشاره به کاهش ۲۰ درصدی آرای پایین شهر و افزایش ۲۰ درصدی آرای بالای شهر، معتقد است کارکرد اقتصادی دولت باعث بدگمانی عمومی مردم ضعیف به حاکمیت شد و این نتیجه رقم خورد.

* تصویر شما از هویت مجلس بعدی و خط و ربط سیاسی آن تا همین مرحله چگونه است؟ به عبارتی فکر می‌کنید تمایلات سیاسی غالب در این دوره مجلس متوجه کدام سمت باشد؟

هویت مجلس آینده را نخستین بزرگوار آن مشخص می‌کند که آن انتخاب هیأت ریسه مجلس دهم است. اگر رئیس مجلس آینده سرلیست اصلاح‌طلبان در تهران یا سرلیست اصلاح‌طلبان در قم باشد، آن مجلس به نظر من یک مجلسی می‌شود که گرایش

به همین جریان دارد و آن وقت خوش به حال دولت خواهد شد اما اگر به غیر از این نفر سرلیست، گزینه دیگری از مجلس بیرون بیاید آن وقت می‌توان گفت که مجلس گرایش متفاوتی دارد و الا آقای لاریجانی و عارف، هر کدامشان که باشند فرقی نمی‌کند.

* یعنی شما بین این دو نفر که یکی اصلاح طلب و دیگری اصولگراست، تفاوتی نمی‌بینید؟

نه. به هر حال هر کدام که بشوند برای دولت یک سری محاسن و معایبی دارند. آن چیزی که روشن است این است که همه اینها دلشان می‌خواهد آقای لاریجانی رئیس باشد.

* مثلاً چه کسانی؟

هم دولتی‌ها و هم اصلاح طلبان و هم آقای هاشمی. همه اینها دلشان با آقای لاریجانی است.

* یعنی واقعا فکر می‌کنید در جریان اصلاحات گرایش برای ریاست به سمت آقای عارف وجود ندارد؟

وقتی کسی هر دو راهنمایش کار می‌کند و می‌تواند در مواقعی که نیاز است او را به عنوان اصولگرا و در مواقع دیگری به عنوان اصلاح طلب معرفی و بهره‌برداری کنند، به نوعی برایشان بهتر است. به نوعی آقای لاریجانی از نظر من حالت تقطیرکننده جریان اصولگرایی را دارد، یعنی وقتی آقای لاریجانی انتخاب می‌شود، جریان اصولگرایی فکر می‌کند کسی آنجا نشسته که متناسب به اوست، در حالی که این‌گونه نیست. کنترل جریان اصولگرایی برای دولت و اصلاح طلبان به وسیله آقای لاریجانی خیلی برای آنها راحت‌تر است یا به عبارت دیگر سرکوب جریان اصولگرایی با آقای لاریجانی راحت‌تر جلو می‌رود تا آقای عارف.

* جریان اصولگرای منتقد دولت آیا در این شرایط چهره و گزینه‌ای دارند که بتوانند وارد این میدان کنند یا اینکه شما می‌گویید فقط بیان چیزی شبیه یک آرزوی سیاسی است؟

به عقیده من دارند و چهره‌هایی هم هستند که این قابلیت را دارند که وارد رقابت شوند اما اصل حرف من این است که تفکری که برای خود حرفی دارد و مینا دارد، حالا درست یا غلط بحث دیگری است، نباید پای رفتار زیگزگی آقای لاریجانی بیاید که برای ماندن در قدرت یک روز راهنمای چپ می‌زند و یک روز راهنمای راست. این جریان اصولگرایی نباید پای آقای لاریجانی ذبح شود. از نظر من اصلا مهم نیست چه کسی رئیس بشود، آقای لاریجانی یا آقای عارف.

* خب با این حرف شما من یک فرض مطرح می‌کنم که مثلا رقابت ریاست نهایتا بین آقایان لاریجانی و عارف باشد. آن وقت به نظر شما اصولگرایان باید چه کنند؟ شما در چنین لحظه و موقعیت فرضی چه پیشنهادی برای جریان اصولگرایی دارید؟

من اگر در مجلس بودم، می‌گفتم که جریان اصولگرایی باید مستقل عمل کند و کاندیدای سومی را وارد عرصه رقابت کند. چون عرض کردم که از نظر من هیچ فرقی نمی‌کند. آقای لاریجانی در ظاهر اصولگرایی را قبول دارد اما در واقع امر یک ورژن دیگری از تفکرات اصلاح طلبی است. فکر اصلاح طلبی متاسفانه یعنی اینکه برای رسیدن به قدرت باید هر کاری انجام داد. همین هم جریان اصلاحات را زمین زد و همین موضوع هم آقای لاریجانی را زمین خواهد زد. اصلاح طلبانی که دوستان جانی حضرت امام (ره) بودند حاضر شدند با دشمنان امام دست دوستی بدهند تا با رقیب مقابله کنند.

* کنایه شما به کیست؟ یعنی مثلا الان به آقای ظریف و روحانی دارید کنایه می‌زنید؟

نه، من دارم از سال ۷۶ به بعد را می‌گویم. از آن سال به بعد به خاطر رقابت سیاسی و برای اینکه طرف مقابلش در قدرت نباشد حاضر شد دست بدهد با نهضت آزادی که خودشان آمدند گفتند که امام فرموده اگر اینها به قدرت برسند چنان سیلی‌ای به اسلام می‌زنند که اسلام به این زودی‌ها سر بلند نمی‌کند. آقای لاریجانی هم دقیقا همان مسیر اصلاح طلبی سال ۷۶ را جلو می‌رود و دقیقا در این مسیر متاسفانه این جریان که آقای لاریجانی در راس آن است، عاقبتی پیدا می‌کند که اصلاح طلبان الان پیدا کرده‌اند. چون هویت آن بر اساس رسیدن به قدرت تعریف شده است.

* با توجه به نتیجه انتخابات تهران و جو روانی حاصل از آن فکر می‌کنید در دور دوم، اصولگرایان کار راحتی داشته باشند یا نه؟ فکر می‌کنید در انتخابات دور دوم نتیجه تهران تاثیر می‌گذارد؟

تهران متفاوت از شهرستان‌هاست و تابع یک سری مسائل دیگری هم هست. شهرستان‌ها خیلی تابع مسائل سیاسی نیستند. در تهران بخشی از مردم با چشم بسته رای دادند و کاری نداشتند که در این لیست چه کسانی هستند. فقط چون یک چیزی شنیده بودند همین‌طور به همه رای دادند.

* این توهین به رای مردم پایتخت نیست؟ به هر حال ما مدام می‌شنویم که مردم با شعور و بصیرت انتخاب می‌کنند. این همخوانی با حرف شما ندارد.

این حرف خود رای دهندگان و حتی سیاسیون اصلاح طلب است که می‌گفتند ما حتی اینها را نمی‌شناسیم یا تعداد کمی را می‌شناسیم. رسماً حتی می‌گفتند که اگر آقای کوچکزاده هم در این لیست بود ما به آن رای می‌دادیم.

* خب خود مقام معظم رهبری هم یک بار به صراحت گفتند که ایشان هم بر اساس لیست‌ها رای می‌دهند و امکان دارد که به عنوان رهبر جمهوری اسلامی برخی نامزدها را نشانند اما به لیست‌ها اعتماد می‌کنند. این تعبیر شما حتی با اظهار نظر رهبری هم متعارض است.

نه، آن موضوع فرق می‌کند. مال جریان اصلاح‌طلبی این شکلی نبود. اصلاح‌طلبان می‌گفتند ما اصلا کاری نداریم. چون آدم‌های اصلی اصلاحات هم اینها را نمی‌شناختند. خدایی شما فکر می‌کنید حتی آقای خاتمی اینها را می‌شناخت؟ قطعاً خیلی‌ها را نمی‌شناخت. حالا چه برسد به بقیه. یا آقای هاشمی و روحانی که از این لیست حمایت کردند آیا آن را می‌شناختند؟ قطعاً نمی‌شناختند. واقعا دست انداختند و هر کس دم دستشان رسید آوردند توی لیست. من خیلی از اینها را می‌شناسم و شاید بیشتر از اصلاح‌طلبان هم بشناسم. حالا ان شاء الله اینها می‌آیند توی مجلس و شما می‌بینید چه کسانی هستند و چقدر اصلاح‌طلب هستند. احتمالا می‌آیند و یک جور دیگری که شما توقع ندارید حرف می‌زنند.

* این نشانه نفوذ آن دعوتی که برای رای دادن انجام شد، نیست؟ نشانه مقبولیت عمومی آن دعوت نیست؟

نه، نشانه این است که جریان اصلاح‌طلبی پادگانی عمل می‌کند. اصلا هم بحث مقبولیت آقای خاتمی نیست. همین آقای خاتمی در مجلس هشتم آمد جلو و به اسم او لیست دادند که آقای جهانگیری و انصاری و امثال این چهره‌ها هم در لیست آنها بودند و آقای خاتمی هم آمد عکس خود را بالای همه اینها زد. خب بعد چند نفر رای آوردند از آن لیست؟

* آن لیست مربوط به هشت سال قبل بود و امروز ما داریم درباره شرایط سال ۹۴ حرف می‌زنیم. آدم‌ها یک وقتی محبوب هستند و مقبول و یک وقت دیگر خیر. الان اگر این لیست رای آورده، به نظر شما دلیلش اگر آن دعوت نبود، چه چیزی بود؟

من که دماسنج ندارم بفهمم چقدر از این رای تهران مربوط به پیام تصویری آقای خاتمی می‌شد و چقدر برای بقیه عوامل. خیلی چیزها موثر بود. ۲۰ درصد مشارکت در جنوب تهران کاهش پیدا کرد و ۲۰ درصد مشارکت در شمال شهر افزایش یافت. خب نتیجه به هم خوردن این توازن شد این لیستی که رای آورد.

* خب اصلا فرض بگیریم حرف شما درست. اصلا چرا باید ۲۰ درصد مشارکت در جنوب شهر کاهش بیابد و در شمال شهر بیشتر شود؟

دلیلش در جنوب شهر این بود که مردم تفاوتی بین چپ و راست و اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌دانند. در این دو سال عملکرد دولت به شکلی بود که مشکل اقتصادی مردم را بیشتر کرد و مردم هم که حاکمیت را یکپارچه می‌دیدند نیامدند و در شمال شهر هم که مسائل اقتصادی مهم نیست و همه متوجه مسائل سیاسی هستند، موقعیت را مناسب دیدند و آمدند.

* ولی این چیزی که درباره جنوب شهر می‌گویید با بحث بصیرت سیاسی مردم در تضاد است. چطور مردمی که حتی مسائل جهانی را به خوبی درک می‌کنند و گفته می‌شود جلوتر از نخبگان سیاسی حرکت می‌کنند، از درک چنین مساله ساده‌ای عاجز هستند؟

اتفاقا بصیر هستند. مردم می‌فهمند.

* خب از یک طرف می‌گویید بصیر و سیاسی‌ترین مردم دنیا هستند و از طرف دیگر می‌گویید فرق دولت را با کلیت حاکمیت نمی‌دانند؟

همین مردم می‌گویند وضع معیشت جامعه بدتر شده. آنها حاکمیت را یکپارچه می‌بینند. این را هم بارها در مجلس گفته‌ام که مردم کوچه و بازار تفاوتی بین من و فلانی قائل نیستند. می‌گویند بالاخره جمهوری اسلامی است و همه را یکی می‌بینند.

منبع/ روزنامه اعتماد